

رابطه بین سبک‌های یادگیری با مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزان دوره متوسطه

جواد سلیمان پور^۱

فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش

سال اول، شماره یک، پاییز ۹۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۸

چکیده

توجه به سبک‌های یادگیری و مؤلفه‌های تعیین‌کننده آن برای دانش‌آموزان از ضروریات تعلیم و تربیت در دنیای امروز است. پژوهش حاضر درصدد بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری (با توجه به مؤلفه‌های اصلی آن) با مهارت‌های زبان‌آموزی (زبان انگلیسی) است. بدین منظور جامعه آماری پژوهش، دبیرستان‌های شهرستان چالوس به تعداد ۱۲۶۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری تصادفی پسرانه از نوع طبقه‌ای به تعداد ۱۵۴ نفر بر اساس جدول کرجسی- مورگان انتخاب شده‌اند. این پژوهش براساس نظریه ورمونت و ریجسویک (برای سنجش سبک‌های یادگیری) و مهارت‌های زبان‌آموزی (مهارت‌های گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) زبان انگلیسی تدوین شده است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری است و تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام انجام پذیرفت. یافته‌های حاصل از

۱. استادیار گروه علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ایران

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کلیه سبک‌های یادگیری با مهارت‌های زبان‌آموزی ارتباط مثبت و مستقیم دارد. اما دو سبک یادگیری غیرمتمرکز با ضریب ۰/۴۹۷ و سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف با ضریب ۰/۲۸۳ بیشترین اهمیت را داشته‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت که اگر نظام آموزشی برای ارتقاء و فهم هر چه بیشتر سبک یادگیری غیرمتمرکز و متکی بر معنا و هدف مورد توجه قرار دهد، به دانش‌آموزان در کسب مهارت زبان‌آموزی کمک و مساعدت بیشتری اعمال خواهد نمود. به عبارت دیگر، ضرورت بازشناسی نقش سبک‌های یادگیری در پیش‌بینی مهارت‌های زبان‌آموزی دانش‌آموزان مورد تأیید واقع شد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های یادگیری، زبان، مهارت‌های یادگیری، سبک غیرمتمرکز، دوره متوسطه.

مقدمه

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه روان‌شناسی شناخت گرا، بیانگر این نکته است که افراد دارای تفاوت‌های فردی مهمی در زمینه مسائل شناختی و یادگیری هستند که در حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌های افراد با این زمینه‌های ذهنی کمک می‌کند. یکی از این ابعاد سبک‌های یادگیری است که در مسائل آموزشی نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. پژوهش در مورد سبک‌های یادگیری از مطالعات مربوط به روان‌شناختی اجتماعی و فیزیولوژیک فرایند آموزش سرچشمه گرفته است (Faramarzi, Abedi, Karimi, 2013). شناخت و درک مدل‌های مرتبط با سبک‌های یادگیری یکی از پیشرفت‌های اساسی روان‌شناسی به شمار می‌آید. امروزه همه نظریه پردازان علیرغم وجود نظریه‌ها و مدل‌های متفاوت در سبک یادگیری توافق دارند که افراد به شیوه‌های متفاوتی اطلاعات و تجارب را درک، سازمان‌بندی، تحلیل و پردازش می‌کنند. یعنی افراد به جهان به‌طور یکسان نمی‌گیرند و ممکن است هر فرد در مقایسه با فرد دیگر در زندگی علائق و تمایلات متفاوتی در نحوه یادگیری داشته باشد (Hossein Doroughi, 2008, p15).

توانایی‌های تحصیلی و آزمون‌های پیشرفت سنتی تنها می‌توانند مقدار کمی او تغییرپذیری تفاوت‌های فردی را در پیشرفت تحصیلی نشان دهند. از این رو، تعداد زیادی از



محققان نقش با اهمیت و پیش‌بینی کننده‌ای اندازه‌های نامرتبط با توانایی یا عوامل غیرتحصیلی را بر پیشرفت تحصیل، سرلوحه فعالیت‌های پژوهشی خود قرار داده‌اند، این عوامل گسترده وسیعی از سبک‌های یادگیری را دربر می‌گیرد (Suleiman Nejad, Shahrarai, 2001, p21). آنچه در مدارس فعلی فزونی دارد، تمرکز بیشتر بر ادراک و پردازش انفعالی است و غالب معلمان نیز از چنین شیوه‌ای استفاده می‌کنند. دانش‌آموزانی که سبک یادگیری آن‌ها با سبک تدریس یا کسب آموزش هم‌خوانی داشته باشد در مقایسه، با دانش‌آموزانی که سبک یادگیری آن‌ها با سبک تدریس یا کسب آموزش هم‌خوانی نداشته باشد، عملکرد بهتری دارند. برای مثال آن‌ها اطلاعات را برای مدت طولانی‌تری در حافظه نگهداری می‌کنند و آن را مؤثرتر بکار می‌گیرند و نسبت به آنچه آموخته می‌شود نگرش مثبت‌تری دارند (kompeau, 2001; Pazargadi, Tahmasebi, 2010).

لذا با شناخت سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان نه تنها می‌توان در زمینه آموزش و یادگیری به آن‌ها کمک کرد و توان یادگیری آنان را بالا برد بلکه می‌توان هر فرد را با توجه به پیچیدگی جوامع امروزی، افزایش تفاوت‌های فردی و تنوع مشاغل و رشته‌های گوناگون تحصیلی به رشته تحصیلی و شغلی مناسب هدایت نمود (Khankjan, 2006, p39). بنا بر نظریه‌های موجود در زمینه روان‌شناسی تربیتی در مدارس، عوامل متعددی در گسترش مهارت‌های زبان‌آموزی (زبان دوم) دانش‌آموزان مقطع متوسطه تأثیرگذار است که از جمله آن میزان انطباق میان سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان است. مسئله سبک‌های یادگیری در سال‌های اخیر توجه متخصصان و روان‌شناسان پرورشی را به خود جلب کرده است. تنوع سبک‌های یادگیری و راهبردهای جدید و شیوه‌های یادگیری و مطالعه از جمله موضوعات مورد علاقه متخصصان و روان‌شناسان تربیتی است (Azadmard, 2010, p62). یادگیری غالباً به‌عنوان یک فرایند سودمند تعریف می‌شود که به فراگیر در آن به‌صورت، فعالانه با نزدیک شدن به اطلاعات مرتبط کردن آن‌ها با دانش قبلی خود و کنترل و هدایت فرایند یادگیری خود عمل می‌کند (Rezaei, 2008, p47). سبک‌های یادگیری شامل باورها، رجحان‌ها و

رضایت‌هایی است که افراد به کار می‌برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند اما تمام سبک‌ها، الزاماً کمک‌کننده نخواهند بود و حتی ممکن است در برخورد مؤثر با موقعیت اختلال ایجاد کند؛ بنا بر اعتقاد فولک (۱۹۹۷) سبک‌های یادگیری را می‌توان توجیه‌کننده بسیاری از تفاوت‌های فردی در کلاس درس دانست. به عبارت دیگر یکی از متغیرهایی که تأثیر بسزایی بر میزان یادگیری افراد و درعین حال ارتباط کمی باهوش دارد سبک یادگیری یا سبک‌شناختی افراد داشت (Hosseini Largani, Seif, 2006, p25). سیف در تحقیق خود اصطلاح ترجیحی یادگیری را بهتر از سبک یادگیری می‌داند و تعریف زیر را ارائه می‌کند راه‌های موردپسند فرد برای مطالعه و یادگیری مانند استفاده از تصاویر، نوار، به جای کتاب، کار کردن با دیگران به عوض تنها کار کردن، بنابراین سبک‌های مختلف یادگیری می‌تواند اثرات بسیاری در میزان یادگیری دانش آموز داشته باشد. لذا یادگیری، تغییری است که در رفتار یادگیرنده بر اثر تجربه ایجاد می‌شود (Rashidi, Moghadami, 2001; Saif, 2001). هرچه دانش آموزان ترجیحات متفاوتی در یادگیری داشته باشند نتایج آن مطلوب‌تر خواهد بود، هرچند می‌توان سبک‌های یادگیری را به دانش آموزان آموزش داد و اما در هر حال سبک یادگیری یک ویژگی شخصیتی است که برای یادگیرنده مناسب‌ترین باشد (Cassidy, 2014). سبک‌های یادگیری دانش آموز با توجه به توانمندی‌های او می‌تواند نقش مؤثری گسترش مهارت‌های یادگیری زبان دوم وی داشته باشد. مهارت‌های یادگیری زبان انگلیسی شامل مهارت‌های گوش کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن است که خود نوعی فرایند شناختی مؤثر برای یادگیری موردنیاز است. دانش آموزان بعد از دریافت اطلاعات به یادگیری فنون سازنده‌ای برای تمرین مطالب نیاز دارند تا بتوانند آن را به خاطر بسپارند و در واقع آن‌ها به یاد گرفتن بهتر نیاز دارند و اگر فنون مناسب و مورد دلخواه خود برای کنترل درک داشته باشند منجر به نگرش در یادگیری می‌شود (Faramarzi, Abedi, Karimi, 2013). از دیرباز مسئله گسترش مهارت‌های زبان انگلیسی موردبحث و تخصص متخصصان تعلیم



و تربیت بوده است که دانش آموزان دارای ضعف‌های عمده‌ای هستند. با توجه به اختصاص ساعات کم تدریس در مدارس به یادگیری زبان دوم و توقع یادگرفتن سریع و مهارت‌های مربوطه آن بعضاً فراگیران را در امر یادگیری دلسرد نموده است. لذا همواره پیشنهادها، راهکارها و سیاست‌هایی به همین منظور وجود داشته تا بتوان جلوی این معضل گرفته شود یا شاید برای همیشه این مشکل اساسی زوده شود و قرار بر تدوین و گنجانیدن این مهارت‌ها در محتوای کتب درسی در سال‌های آتی در آموزش و پرورش مدنظر است؛ اما آنچه امروزه گریبان‌گیر خانواده‌ها و دانش آموزان است اهمیت تحصیل، چگونگی و کیفیت و میزان موفقیت دانش آموزان در گسترش مهارت‌های زبان آموزی است. باید توجه داشته باشیم که اگرچه تحقیقات زیادی درباره سبک‌های یادگیری و مهارت‌های گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن انجام شده است نظر مهم بودن موضوع و به‌روز بودن این مسئله، روند فعالیت در این حوزه همچنان می‌تواند ادامه یابد (Rashidi, Moghadami, 2017).

آموزش فرایندی پیچیده است که هرگونه اهمال و ساده‌نگری در آن می‌تواند منجر به هدر رفتن نیروها و امکانات شده و تلاش‌ها را با شکست مواجه کند. بنابراین، توسعه آموزش و ایجاد تحول در آن نیازمند شناخت فرایند آموزش و عوامل مؤثر بر آن است. از این جهت، سبک‌ها و ترجیحات یادگیری فردی در زبان اهمیت خاص پیدا می‌کند (Amin Khandaqi, 2013). یکی از عوامل مهم در آموزش سبک یادگیری است. هر فرد با روش منحصر به فرد خود مطالب را یاد می‌گیرد چرا که فرد با توجه به روشی که آن را ترجیح می‌دهد، اطلاعات را پردازش و درک می‌نماید سبک یادگیری به چگونگی یادگیری یادگیرنده اشاره می‌کند نه اینکه به چه خوبی از عهده یادگیری برمی‌آید. به بیان دیگر، سبک‌های یادگیری گفته می‌شود نه توانایی یادگیری (Rashidi, Moghadami, 2017). با توجه به مطالب مطروحه، دانش مربوط به سبک‌های یادگیری می‌تواند در سازمان‌دهی محیط آموزش و چگونگی تعامل معلمان دانش آموزان و چگونگی یاددهی و یادگیری محتوا و افزایش کارایی و موفقیت شاگردان مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، اگر بین سبک‌های یادگیری با مهارت‌های زبان



انگلیسی رابطه‌ای به دست می‌آید آیا می‌توان با کاربر روی سبک‌های یادگیری موجبات پیشرفت در دانش آموزان هدایت آن‌ها در تحصیل، انتخاب رشته، یافتن بازار کار به‌طور مؤثرتری وارد شد؟ از نتایج این پژوهش می‌توان در محیط‌های آموزشی، آموزشگاهی نظیر مؤسسات آموزش آزاد، مدارس و مراکز آموزش عالی در دانشگاه‌ها جهت افزایش کارایی یادگیرندگان استفاده نمود. در مجموع مرور ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، رابطه بین سبک‌های یادگیری با ابعاد و اهداف پیشرفت تحصیلی زبان انگلیسی و بازده‌های یادگیری مانند پایه تحصیلی چندان روشن نیست و مستلزم بررسی مجدد است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش شفاف کردن روابط میان سبک‌های یادگیری و انواع مختلف آن با مهارت‌های زبان انگلیسی در مقطع متوسطه است. بنابراین، هدف کلی تحقیق بررسی و تعیین رابطه بین سبک‌های یادگیری و مهارت‌های زبان آموزی در انگلیسی دانش آموزان دوره متوسطه است.

روش پژوهش

این روش پژوهش با توجه به ماهیت، موضوع مورد نظر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری برای پژوهش حاضر از دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهرستان چالوس به تعداد ۱۲۶۰ نفر در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی از نوع طبقه‌ای است که براساس جدول کرجسی-مورگان، ۱۵۴ نفر گزینش شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری با مقیاس فاصله‌ای و طیف لیکرت است. مهارت چهارگانه زبان آموزی شامل گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن براساس طرح عملی تدریس اجرا شده است که براساس آزمون پیشرفت تحصیلی معلم ساخته اندازه‌گیری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار اسپاس در سطح توصیفی (جدول توزیع فراوانی و نمودار) در سطح استنباطی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام به پیش‌بینی مهارت‌های زبان آموزی پرداخته شد.

یافته‌های تحقیق

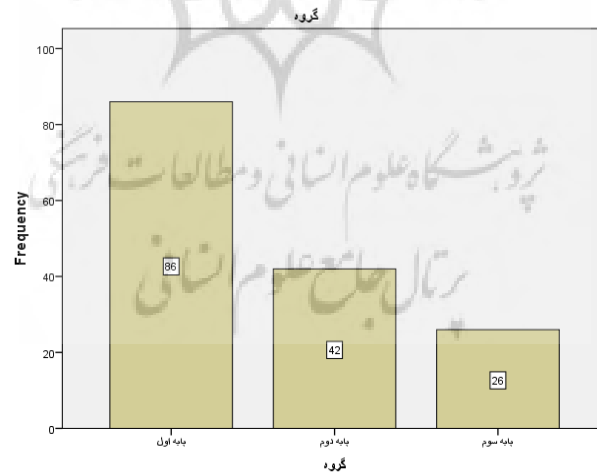
اطلاعات توصیفی درباره برخی از ویژگی‌های افراد مورد مطالعه از جمله پایه و دوره تحصیلی در قالب جدول و نمودار نمایش داده شده است. توزیع فراوانی افراد نمونه برحسب پایه تحصیل در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد نمونه برحسب پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
اول	۸۶	۵۵/۸
دوم	۴۲	۲۷/۳
سوم	۲۶	۱۶/۹
جمع کل	۱۵۴	۱۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد تعداد برای پایه اول ۸۶ نفر با درصد فراوانی ۵۵/۸ و برای پایه دوم ۴۲ نفر با درصد فراوانی ۲۷/۳ و برای پایه سوم ۲۶ نفر با درصد فراوانی ۱۶/۹ است.

توزیع فراوانی نمونه برحسب پایه تحصیلی در نمودار ۱ نمایش داده شده است.



نمودار ۱. توزیع فراوانی نمونه برحسب پایه تحصیلی



تحلیل داده‌ها: ابتدا مشخصه‌های آمار توصیفی افراد گروه نمونه در جدول ۲ ارائه

می شود.

جدول ۲. مشخصه‌های آمار توصیفی متغیرها

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد
مهارت‌های زبان آموزی	۶۲/۳۲	۱۲/۴۸۹
سبک یادگیری معطوف به باز آفرینی	۸۷/۴۶	۷/۷۲۱
سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف	۹۱/۹۳	۸/۲۷۷
سبک یادگیری معطوف به کاربرد	۸۰/۹۸	۷/۶۹۵
سبک یادگیری غیر متمرکز	۱۳۱/۸۹	۱۲/۷۶۲

چنانکه در جدول بالا ملاحظه می شود میانگین مهارت‌های زبان آموزی ۶۲/۳۲ با انحراف استاندارد ۱۲/۴۸۹ است و در بین متغیرهای پیش‌بینی کننده نیز بیشترین میانگین مربوط به متغیر کسب یادگیری غیر متمرکز با میانگین ۱۳۱/۸۹ با انحراف استاندارد ۱۲/۷۶۱ و کمترین میانگین مربوط به کسب یادگیری معطوف به کاربرد ۸۰/۹۸ با انحراف استاندارد ۷/۶۹۵ است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای مهارت‌های زبان آموزی پیش‌بینی کننده

متغیر	۱	۲	۳	۴
مهارت‌های زبان آموزی	۰/۱۷۹*	۰/۲۸۳**	۰/۲۰۲**	۰/۴۹۷**
سبک یادگیری معطوف به باز آفرینی	-	۰/۵۲۵**	۰/۵۱۷**	۰/۵۱۱**
سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف	-	-	۰/۵۳۸**	۰/۵۵۲**
سبک یادگیری معطوف به کاربرد	-	-	-	۰/۵۸۲**
سبک یادگیری غیر متمرکز	-	-	-	-

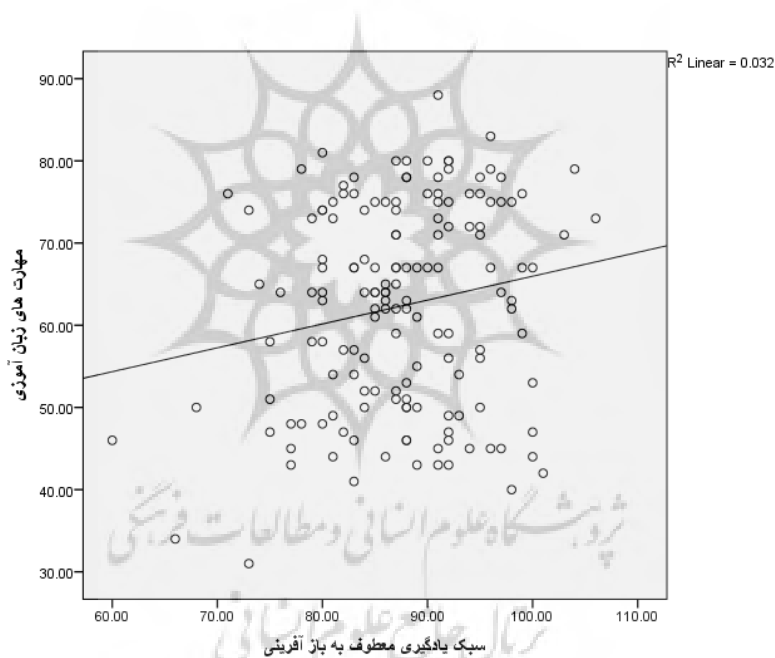
$$P^* < 0/05, \quad P^{**} < 0/01$$

با استفاده از داده‌های جدول فوق فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.



فرضیه ۱: بین سبک یادگیری معطوف به بازآفرینی با مهارت‌های زبان آموزی رابطه معنادار وجود دارد ($r=0/179$ و $p=13\%$)

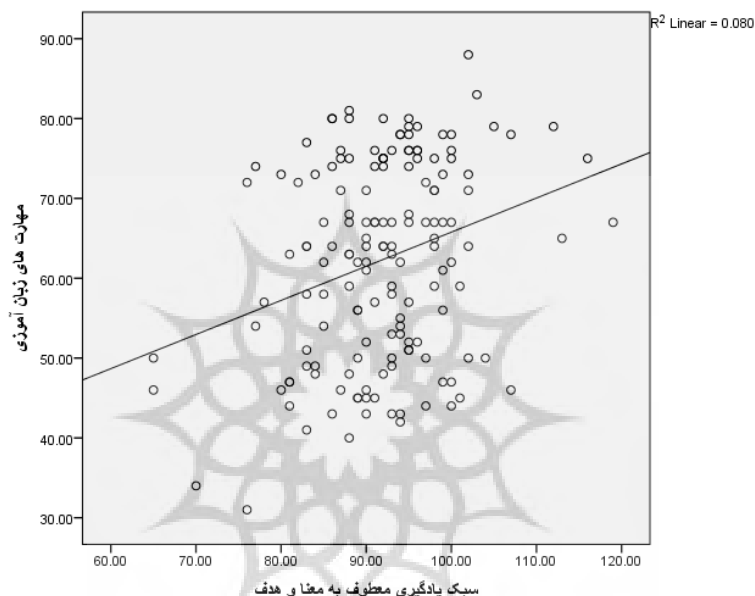
براساس داده‌های جدول فوق ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح $0/05$ معنادار است و نشان می‌دهد که بین سبک یادگیری معطوف به بازآفرینی و مهارت‌های زبان آموزی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد به عبارت دیگر هرچه قدر سبک یادگیری، معطوف به بازآفرینی افزایش یابد، مهارت‌های زبان آموزی نیز افزایش می‌یابد. این رابطه در نمودار ۲ نمایش داده شده است.



نمودار ۲. رابطه بین سبک یادگیری معطوف به باز آفرینی و مهارت‌های زبان آموزی

فرضیه ۲: بین سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف با مهارت‌های زبان آموزی رابطه معنادار وجود دارد. ($r=0/283$ و $p=0/000$)

براساس داده‌های جدول فوق ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است و نشان می‌دهد که بین سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف با مهارت‌های زبان‌آموزی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف افزایش یابد مهارت‌های زبان‌آموزی نیز افزایش می‌یابد.

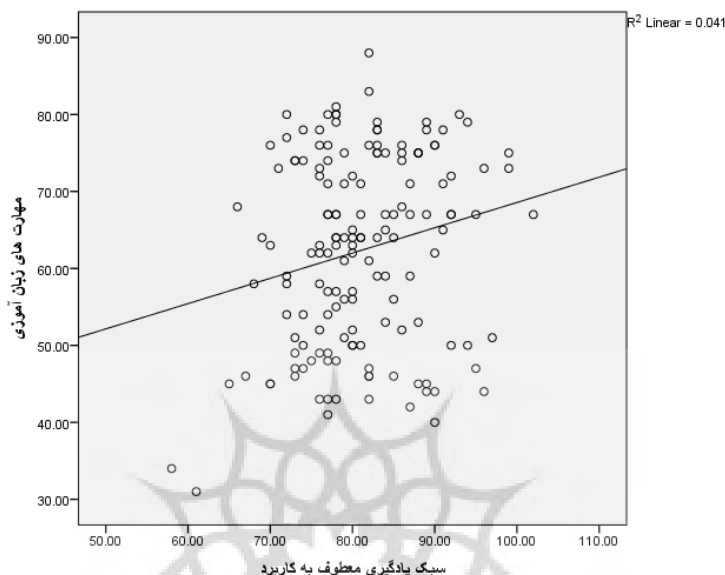


نمودار ۳. رابطه بین سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف با مهارت‌های زبان‌آموزی

فرضیه ۳: بین سبک یادگیری کاربرد و مهارت‌های زبان‌آموزی رابطه معنادار وجود دارد. ($r=0/202$ و $p=0/006$)

براساس داده‌های جدول فوق ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است و نشان می‌دهد که بین سبک یادگیری و مهارت‌های زبان‌آموزی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد به عبارت دیگر هرچقدر سبک یادگیری کاربرد افزایش یابد و مهارت‌های زبان‌آموزی نیز افزایش می‌یابد.

این رابطه در نمودار زیر نمایش داده شده است.

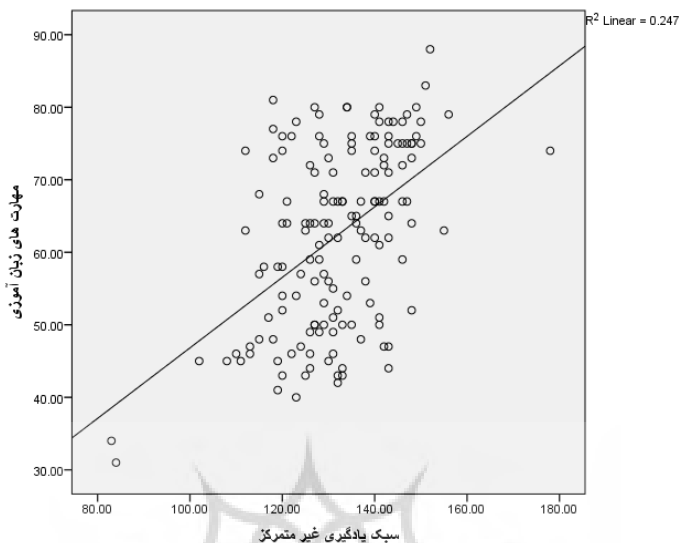


نمودار ۴. رابطه بین سبک یادگیری معطوف به کاربرد و مهارت‌های زبان‌آموزی

فرضیه ۴: بین سبک یادگیری غیرمتمرکز و مهارت‌های زبان‌آموزی رابطه معنادار وجود دارد.

$$(r = 0/497 \text{ و } p = 0/000)$$

براساس داده‌های جدول فوق ضریب همبستگی محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است و نشان می‌دهد که بین سبک یادگیری غیرمتمرکز و مهارت‌های زبان‌آموزی معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه سبک یادگیری غیرمتمرکز افزایش یابد مهارت‌های زبان‌آموزی نیز افزایش می‌یابد. این رابطه در نمودار زیر نمایش داده شده است.



نمودار ۵. رابطه بین سبک یادگیری غیر متمرکز و مهارت های زبان آموزی

جهت تعیین بهترین پیش بینی کننده مهارت های زبان آموزی از بین متغیرهای پیش بینی کننده از مدل رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. قابل ذکر است که سبک یادگیری غیر متمرکز وارد مدل شده است. نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام متغیرها

مدل	R	R^2	تعدیل یافته R	خطای معیار
۱	۰/۴۹۷*	۲۴۷	۰/۲۴۲	۱۰/۸۷۵۱۱

جدول فوق خلاصه را نشان می دهد. مطابق داده های جدول مشخص می شود گام ۱ نمره سبک یادگیری غیر متمرکز وارد مدل شده و این متغیر قادر به توجیه ۲۵٪ درصد از واریانس است ($R^2 = 0/247$).

نتایج حاصل از تحلیل واریانس مدل ۱ در جدول ۵ نمایش داده شده است.



جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس حاصل از رگرسیون ۱ مدل

مدل	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
۱	رگرسیون	۵۸۸۹/۰۱۷	۱	۵۸۸۹/۰۱۷	۴۹/۷۹۴	۰/۰۰۰
	خطا	۱۷۹۷۶/۷۵۰	۱۵۲	۱۱۸/۲۶۸		
	جمع	۲۳۸۶۵/۷۶۶	۱۵۳			

داده‌های جدول فوق نتایج واریانس یک مدل را نشان می‌دهد. در مدل ۱ همان‌طور که دیده می‌شود F به دست آمده در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. $F(1, 153) = 49/794$ $P = 0/000$ بنابراین با اطمینان ۰/۹۹ نتیجه می‌گیریم که بین متغیر سبک یادگیری غیرمتمرکز و متغیر مهارت‌های زبان آموزی رابطه وجود دارد و متغیر مستقل سبک یادگیری غیرمتمرکز قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک را دارد. نتایج حاصل برای تعیین ضرایب تحلیل رگرسیون و تعیین توان پیش‌بینی معنادار برای متغیرهای مستقل و تنظیم معادله رگرسیون در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. ضرایب تحلیل رگرسیون گام به گام

مدل	مؤلفه	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده
۱	عدد ثابت	ضریب شیب (B)	Beta
		خطای استاندارد	t
۱	کیفیت	-۱/۷۸۴	-۰/۱۹۶
		۰/۴۸۶	۷/۰۵۶

توجه به نتایج جدول فوق و معناداری F در جدول ۶ تحلیل واریانس و t در جدول فوق می‌توان معادله رگرسیون برای مدل ۱ را به قرار زیر نوشت.

$$Y = a + b_1x_1$$

(سبک یادگیری غیرمتمرکز) شیب + مقدار ثابت = پیش‌بینی مهارت‌های زبان آموزی



بنابراین، با جایگزینی ضرایب در فرمول فوق، معادل پیش‌بینی مهارت‌های زبان‌آموزی از روی متغیر سبک یادگیری غیرمتمرکز به قرار زیر به دست می‌آید.

$$(\text{سبک یادگیری غیرمتمرکز}) = 0/486 + 1/794 - \text{مهارت‌های زبان‌آموزی}$$

با توجه به مقدار شیب، هرچه مقدار سبک یادگیری غیرمتمرکز بیشتر باشد مقدار بیشتر را برای مهارت‌های زبان‌آموزی پیش‌بینی می‌کند.

همچنین با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص می‌شود که مقدار T مربوط به متغیر سبک یادگیری غیرمتمرکز $7/056$ در سطح $0/01$ معنادار است و این نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین سبک یادگیری غیرمتمرکز و مهارت‌های زبان‌آموزی است. با توجه به مقدار B استاندارد شده مربوط به سبک یادگیری غیرمتمرکز ($0/497$) مشخص می‌شود که به ازای یک واحد تغییر در متغیر سبک یادگیری غیرمتمرکز مقدار $0/497$ به متغیر مهارت‌های زبان‌آموزی افزوده می‌شود.

در تبیین نتایج حاصله می‌توان اشاره کرد که سبک‌های یادگیری شامل باورها، اعتقادات، رجحان‌ها و رفتارهایی است که افراد به کار می‌برند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند اما تمام سبک‌ها الزاماً کمک‌کننده نخواهد بود و حتی ممکن است در برخورد مؤثر با موقعیت اختلال ایجاد کند. بنابراین، به اعتقاد وول فولک سبک‌های یادگیری را می‌توان توجیه‌کننده بسیاری از تفاوت‌های فردی در کلاس درس دانست. به سخن دیگر یکی از متغیرهایی که تأثیر بسزایی بر میزان یادگیری افراد و درعین حال ارتباط کمی با هوش دارد، سبک یادگیری یا سبک شناختی افراد است. در واقع، سبک یادگیری روش ثابت یادگیرنده برای پاسخ‌گویی و به کارگیری محرک‌های موجود در موقعیت یادگیری است. همه نظریه‌پردازان با وجود نظریه‌ها و مدل‌های متفاوت در زمینه سبک‌های یادگیری، توافق دارند که افراد به شیوه‌هایی متفاوت اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان‌دهی، تحلیل و پردازش می‌کنند، یعنی افراد یکسان به جهان نمی‌نگرند و هر فرد در مقایسه با دیگری ممکن است علایق و تمایلاتی متفاوت در سبک یادگیری داشته باشد. در پژوهشی که در رابطه با



سبک‌های یادگیری کلب صورت گرفت معلوم شد که بین سبک‌های یادگیری دانشجویان و رشته‌های تحصیلی ارتباط وجود دارد. همچنین در پژوهش دیگر مشخص شد که بین رویکردها و سبک‌های یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد (Seif, Hosseini Largani, 2006). مهارت‌های زبان‌آموزی (انگلیسی) مسئله آموزشی و فرهنگی مهمی است و تاکنون مطالعات بسیاری را به خود معطوف کرده است، ولی با وجود موفقیت‌آمیز بودن نسبی این پژوهش‌ها، در اکثر پژوهش‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود و نتایج پژوهش‌ها متفاوت‌اند. از این رو، نیاز به بررسی بیشتر این مسئله و بررسی ارتباط این متغیر با متغیرهای گوناگون ضروری می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک یادگیری معطوف به بازآفرینی و مهارت‌های زبان‌آموزی (انگلیسی) دانش‌آموزان مقطع متوسطه رابطه وجود دارد. براساس این نتیجه می‌توان گفت با توجه به اینکه مهارت‌های زبان‌آموزی (انگلیسی)، توجه به انتظارات آموزش در یادگیری درسی است و در برنامه‌های درسی عامل‌های بسیاری دخالت دارند که از جمله می‌توان به روش تدریس معلمان و روش‌هایی اشاره کرد که دانش‌آموزان را به یادگیری بهتر می‌رساند. یادگیرندگان که از سبک معطوف به بازآفرینی استفاده می‌کنند، در چارچوب تدریس معلم تلاش می‌کنند و اعتقاد دارند که معلمان نباید از موضوع منحرف شوند، بلکه باید همواره بر امتحان توجه داشته باشند. در این سبک، یادگیرنده با دانش‌آموزان دیگر بحث نمی‌کند و شکل دادن عقاید درباره موضوع برای وی اهمیت ندارد. او همواره سعی می‌کند در امتحان موفق شود و آموخته‌های او به هدف‌های امتحان وابسته است.

همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد بین سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف و مهارت‌های زبان‌آموزی (انگلیسی) رابطه وجود دارد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که مهارت‌های



زبان آموزی از روی نمره سبک یادگیری معطوف به معنا و هدف قابل پیش‌بینی است و با کار بر روی این سبک یادگیری (و دیگر متغیرهای مربوطه) می‌توان موجب یادگیری و مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزان شود.

همچنین نتایج نشان داد که بین سبک یادگیری مبتنی بر کاربرد و مهارت‌های زبان آموزی (انگلیسی) رابطه وجود دارد. باید توجه داشت که افرادی که این سبک یادگیری را دارند، بیشتر به کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی توجه دارند و در پی این هستند که آموخته‌های خود را در انجام وظایف شغلی به کار بگیرند و تلاش می‌کنند شخصیت خود را با مطالعات خود غنی سازند و از دانش کسب شده در زندگی روزمره استفاده کنند. هم‌سو با اطلاعات آمده در پرسشنامه ILS مبنی بر اینکه سبک یادگیری معطوف به کاربردی بر شانس موفقیت در امتحان اثر کمتری دارد.

همچنین نتایج نشان داد که بین سبک یادگیری غیرمتمرکز و مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزان همبستگی معنی‌داری وجود دارد. لذا می‌توان از روی سبک یادگیری غیرمتمرکز به پیش‌بینی مهارت‌های زبان آموزی (انگلیسی) دانش‌آموزان اقدام کرد. باید توجه داشت افرادی که این سبک را دارند، از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی ممکن است نامتعادل، علاقه‌مند به تدریس مهیج و خواهان همکاری با دانش‌آموزان دیگر می‌باشند. از دیدگاه این افراد وظیفه معلمان ارائه توضیحات لازم و آموختن روش یادگیری است. دارندگان سبک غیرمتمرکز به مطالعه منظم علاقه دارند ولی به ندرت این کار را انجام می‌دهند.

در مجموع برخی از نتایج پژوهش حاضر، ضرورت بازشناسی نقش سبک‌های یادگیری را در پیش‌بینی مهارت‌های زبان آموزی (انگلیسی) دانش‌آموزان مورد تأکید قرار می‌دهد و همچنین بستری فراهم شود تا تمرکز بر روی نقش سبک‌های یادگیری بر مهارت‌های زبان آموزی (انگلیسی) دانش‌آموزان، تصمیمات لازم برای تحول سبک‌های یادگیری مولدِ خلاقیت و رویکردهای عمیق نسبت به یادگیری اتخاذ شود. بنابراین، در این پژوهش نقش تعیین‌کننده و محوری اندازه‌های ناوابسته به یادگیری (سبک‌های یادگیری) در بهینه‌سازی



یادگیری و آموزش دانش‌آموزان تأکید شده است. بنابراین، نتایج کلی حاکی از آن است که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر رابطه سبک‌های یادگیری با مهارت‌های زبان‌آموزی انگلیسی در دوره متوسطه معنی‌دار است و هر یک از سبک‌های یادگیری چهارگانه قابلیت پیش‌بینی مهارت‌های زبان‌آموزی را دارند.

Reference

- Amin Khandaqi, M., Rajee, M. (2013). The Effect of Students' Learning Styles on Their Preferred Teaching Styles. *Educational Psychology*, 9(28), 16-40. (In Persian)
- Azadmard, Sh.. (2010). Investigating the relationship between contextual and context-independent cognitive styles and problem solving abilities, MA thesis, University of Allameh Tabatabaei. (In Persian).
- Cassidy, J. (2014). Learning styles An overview of theories models and measures *Educational psychology*. 24 No4,419 -444(page 84).
- Campeau, A. G. (2001). Distribution of learning styles and preferences for learning environment Characteristics among Emergency Medical Care Assistants (EMCAs) in Ontario, Canada. *Prehosp Disaster Med*,13.
- Faramarzi, S., Abedi, M., Karimi, M. (2013). The Relationship between Coping Styles and Adolescents' Depression. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 3(2), 17-26. (In Persian)
- Hossein Doroughi, M. (2008). Investigating the Relationship between the Postgraduate and Postgraduate Students' Learning Styles in Strong and Weak Male and Female Three Degrees in Humanities, Medicine and Engineering in Tehran Universities: Master's Thesis, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Hosseini Largani, M^۱; Seif, A A. (2006). Comparison of Students' Learning Styles with regard to Gender, Degrees and Degree, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 19. (In Persian)
- Khkjan, A. (2006). Evaluation of Cognitive Learning Styles of Students, Masters Thesis, Shiraz University. (In Persian)



- Rashidi, Z., Moghadami, M. (2017). The relationship between learning styles with Academic Achievement and Creativity of students senior Department of Education, Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University Roudehen Branch., 7(2), 1-38.. (In Persian).
- Pazargadi M., Tahmasebi S. 2010. Learning styles and their application in nursing. *Educ Strategy Med Sci.*; 3 (2):73-76.URL: <http://edcbmj.ir/article-1-84-fa.html>. (In Persian)
- Rezaei, A A. (2008). Investigating the Relationship between Background-Related and Background-Independent Learning Styles in Humanities and Mathematics Students, MSc Thesis, Allameh Tabataba'i University. (In Persian)
- Suleiman Nejad, A; Shahrarai, M. (2001). The Relationship between Source of Control and Self-Regulation with Academic Achievement, *Journal of Psychology and Education Sciences*, Thirty-first Year, No. 2, 175-198. (In Persian)
- Shams Esfand-Abad, H., Emami-Pour, S. (2003). The Study of Learning Styles In Middle School Students Who Speak in One Language or Are Bilingual and Its Relationship with Educational Achievement and the Gender. *Educational Innovations*, 2(3), 11-28. (In Persian)
- Saif, A A. (2001). Educational Psychology (Learning and Teaching Psychology) Tehran: aghah. (In Persian)